فصلنامه علمی ـ تخصصی فقه و حقوق معاصر
سال ششم، شماره سیزدهم، پاییز ۱۳۹۹
صفحات ۴۲ تا ۵۳

جایگاه آرای داوری تجاری بین المللی[۱]

یلدا صاحبی[۲]

چکیده:

یکی از بحث برانگیز ترین مباحث داوری تجاری بین المللی در دو دهه اخیر، مساله اجرای آرای داوری است که در کشور محل صدور و با اصطلاحی جامع تر در کشور مبدا، ابطال شده اند. دو اندیشه متعارض موجود در زمینه موضوع، مبتنی بر دو دیدگاه در خصوص اثر سرزمینی یا فرا سرزمینی ابطال رای توسط دادگاه صلاحیت دار است. برای تبیین این موضوع به نظر می رسد ابتدا باید به بحث ابطال آرای داوری و سپس چگونگی اجرای این آرا در کشور مبدا یا کشور اجرا کننده پرداخته شود؛ لذا دو نوع نظام در این زمینه می تواند وجود داشته باشد یک نظام با رویکرد فراسرزمینی که با اجرای آرای داوری ابطال شده هماهنگ است و نظام مقابل آن نظام سرزمینی می باشد که می گویند؛ قاضی دادگاهی که اجرای رأی داوری از آن مطالبه شده است تنها بر اساس تکالیف و اختیاراتی که نظام حقوقی متبوعش از جمله معاهدات بین المللی مربوطه و قوانین داخلی بر عهده او می گذارد نسبت به صدور یا عدم صدور اجراییه اتخاذ تصمیم نماید. رأی دادگاه مقر داوری تأثیر بین المللی ندارد و اصولاً دادگاه محل صدور رأی داوری از نظر سلسله مراتب رجحانی بر دادگاه محل اجرای چنین رأیی ندارد تا پیروی از آرای آن برای دادگاه اخیر لازم باشد.تبیین این بحث را به دو طریق می توان پیگیری کرد ابتدا از منظر دیدگاه سنتی و سپس دیدگاه نوین .

واژگان کلیدی: رای داوری، ابطال آرای داوری، اثر سرزمینی، اثر فراسرزمینی.

---

[۱] – دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۰ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۰
[۲] – کارشناس و مشاورحقوقی. Y.sahebi23@yahoo.com

مقدمه

نهاد داوری در کنار رسیدگی های قضایی، روشی برای حل اختلافات اشخاص می باشدکه به دلیل سرعت و تخصصی بودن آن اشخاص ترجیح می دهند برای حل و فصل دعاوی خویش، نهاد داوری را انتخاب کنند.آیا منظور از نهاد داوری همان قرارداد داوریست، همانطور که گفتیم داوری آئینی است مبتنی بر تراضی طرفین اختلاف که این رضایت در قرارداد داوری ابراز می گردد مقصود از قرارداد داوری اعم از قرارداد یا شرط داوری است.

اصطلاح «بین المللی» برای تمیز داوری های صرفاً داخلی از داوری هایی که از قلمرو صرفاً ملی فراتر رفته، و به علت وجود عنصر خارجی در آنها، به طور کامل و تمام عیار داخلی نیستند، به کار می رود. بدین ترتیب آرای داوری داخلی در داوری های داخلی و آرای داوری خارجی در داوری های خارجی صادر می شوند. در هر حال، علی الأصول هر داوری دارای تابعیت و لزوماً «ملی» است،(Redfern, 3, p12) حتی اگر جنبه بین المللی داشته باشد؛ اگرچه امکان تحقق داوری های بدون تابعیت نیز قابل انکار نیست. برخی کشورها که دارای نظام داوری واحد هستند، هیچ تفاوتی بین داوری های صرفاً داخلی از یک طرف و داوری های داخلی ای که جنبه بین المللی نیز دارند قائل نشده، با همه انواع و اقسام داوری های تجاری داخلی به یک شکل و با استفاده از قواعد و احکام واحد رفتار می کنند. اما در قانونگذاری کشورها این جریان رو به گسترش است که بین داوری های صرفاً داخلی و داوری هایی که در عین داخلی و ملی بودن، به خاطر وجود عنصر خارجی، واجد جنبه بین المللی نیز هستند، تمیز قائل شوند. از جمله، در اغلب کشورهای دارای نظام داوری دوگانه، که چنین تفکیکی را بین داوری های مصرف داخلی و داوری های بین المللی قائل می شوند، موجبات اعتراض به رأی در داوری های تجاری بین المللی محدودتر از موجبات اعتراض به رای در داوری های صرفاً داخلی است. در این خصوص می توان از کشور های زیادی که تابع الگوی قانون نمونه ۱۹۸۵ آنسیترال راجع به داوری های تجاری بین المللی هستند و نیز بلژیک، کلمبیا، فرانسه و سوئیس نام برد. از جمله کشورهایی که قوانین داوری خود را با الگو قراردادن قانون نمونه آنسیترال تدوین با اصلاح کرده اند نیز می توان از ایران، هلند، آلمان، ایتالیا، لهستان، استونی، هند و انگلستان نام برد که البته تأثیرپذیری همه آنها از قانون نمونه به یک اندازه نیست.

۱-تعریف رای داوری

داوری نوعی قضاوت خصوصی است و داوران اختیارات خود را در چهارچوب قرارداد داوری یا شرط داوری از طرفین اختلاف به عاریت می گیرند.

امروزه داوری یکی از شیوه های حل اختلاف و فصل خصومت تخصصی و سریع محسوب می شود که به طرفین اختلاف امکان می دهد بدون مراجعه به دادگاه بتوانند فرد یا افرادی را که مورد اعتمادشان هستند برای حل و فصل اختلاف انتخاب کنند. ماهیت این شیوه حل اختلاف که تاثیر مستقیم در مشخص شدن ماهیت رای صادره از این نهاد را دارد اگرچه کم و بیش در حقوق مورد بررسی قرار گرفته اما از نظر فقهی کمتر مورد بحث حقوقدانان قرار گرفته است این در حالی است فقهای امامیه بدان توجه خاص و مبسوط مبذول داشته اند(فیروزآبادی و بطحایی، ۱۳۹۶، ص۱۷۲).

چنانچه داوری دارای ماهیت قراردادی باشد، داور همچون وکیل طرفین یا طرفی که او را انتخاب کرده موظف است در محدوده ی اذن رفتار نموده و در صورتی که فقط از سوی یکی از طرفین دعوا انتخاب شده باشد همواره تلاش نماید منافع طرفی که او را منصوب نموده است تامین نماید. ماهیت قضایی نیز اقتضا می کند داور در امر رسیدگی و صدور دستورات تامینی از اقتدار دادگاه های دولتی و رای صادره نیز از اعتبار آرای همان دادگاه ها برخوردار باشد. پذیرش ماهیت مختلط نیز اگرچه می تواند جامع مزایای دو نظریه ی قراردادی و قضایی باشد اما به نوبه ی خود مصون از انتقاد نیست.(شمس و بطحانی، ۱۳۹۴، ص۳)

۱-۱-داوری داخلی

داوری داخلی به داوری گفته می شود که مقر آن در چهارچوب جغرافیایی یک کشور باشد و به دعاوی داخلی یک کشور رسیدگی نماید (مکرمی،۱۳۷۵، ص۱۴۶و ۱۴۷) به عبارت دیگر وقتی موضوع مورد اختلاف طرفین در محدوده ی حاکمیت یک کشور قرار می گیرد و قوانین جاری در آن سرزمین بر داوری حاکمیت می یابد و به موجب همان قوانین، داوری شکل می گیرد و حکم داوران صادر می شود، آن را داوری داخلی می نامند.

۲-۱-داوری خارجی

حقوق موضوعه ایران تعریفی از داوری خارجی و یا حکم داوری خارجی به دست نداده است. فقط مواد ۹۷۲ و ۹۷۵ قانون مدنی احکام دادگاه های خارجی را در صورت عدم مخالفت با نظم عمومی طبق قانون مجاز شمرده است و ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی شرایط اجرای حکم خارجی را در ایران بیان نموده است. ولی باید توجه داشت که مقررات قانون مدنی و قانون اجرای احکام مدنی مربوط به احکام دادگاه های خارجی است و نه احکام داوری خارجی یا بین المللی. (لطفی و سعادت خواه، ۱۳۹۶) و در هرصورت تعریفی از داوری خارجی در قوانین دیده نمی شود.

علمای حقوق، مدت های مدید تفاوتی بین حقوق خارجی و حقوق بین المللی قائل نبوده اند. در سال های اخیر در مواردی که امکان تعیین وابستگی رای داور طبق ضوابط حقوق بین الملل خصوصی به کشور معین وجود ندارد، رای داور را « بدون ملیت » و گاه بین المللی توصیف می نمایند. از خصوصیات ویژه دعاوی بدون ملیت این است که قوانین حاکم به جنبه های مختلف دعوی، رابطه ای با حقوق هیچ کشوری نداشته باشد. از این دیدگاه، داوری های بین المللی به داوری هایی می گویند که در داخل و یا خارج از جغرافیای سیاسی یک کشور باشد و در آن حاکمیت هیچ کشور خاصی اعمال نگردد. به عبارت دیگر چون به محل بین المللی اطلاق نمی شود قوانین هیچ کشوری در این گونه دعاوی به تبع محل استقراردادگاه اعمال نمی شود (مکرمی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷). مقرراتی که به عنوان قانون داوری (چه در داوری سازمانی چه در داوری موردی) قابل اجراست، برخاسته از کنوانسیون های بین المللی است که در سال های مختلف بتدریج به تصویب رسیده است. البته هنوز یک نظام حقوقی مستقل در نظام های حقوقی ملی به وجود نیامده است که اختلافات تجارتی بین المللی را در آن حدود بتوان حل و فصل کرد و به ناچار ضمانت اجرای مادی و موثر در مورد آرای داوری صادره از مراجع داوری تجاری را باید در نظام های حقوقی داخلی جست و جو کرد. از این لحاظ داوری تجاری بین المللی مانند خود حقوق بین الملل خصوصی، از حقوق داخلی تبعیت می کند. در ایران تا قبل از سال ۱۳۷۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. تصویب این قانون نقطه ی عطفی بود در روند تغییرات قوانین مربوط به داوری در ایران. این قانون عناصر تشکیل دهنده نهاد داوری در حقوق ایران را تکمیل کرد. از نظر قانون داوری تجاری بین المللی ایران مصوب ۷۶، داوری بین المللی عبارت است از اینکه یکی از طرفین

در زمان انعقاد موافقت نامه داوری، به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد. قانون جدید، داوری اختلافات در روابط تجاری بین المللی با معنی وسیعی که از آن در قانون نمونه آنسیترال مد نظر است و جایی که حداقل یکی از طرفین موافقت نامه داوری تبعه ایران نباشد را شامل می گردد (سیفی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۱ و ۱۳۲).

۲-ملاک های تعیین تابعیت رای داور

تابعیت رأی داوری از مهم ترین و کلیدی ترین مسائل داوری های تجاری بین المللی است. قاعده سنتی تابعیت آرای داوری، ولو بین المللی، از چنان قدرتی برخوردار است که حتی می توان در این خصوص ادعای وجود اجماع کرد. شاهد این ادعا تمامی اسناد و منابع ملی و بین المللی است.

در خصوص آرای داوری، از یک سو، کشورها با وضع قانون و اعمال آن از طریق دادگاه های خویش، آرای داوری بین المللی صادر در کشور خود و یا به موجب قانون خویش را داخلی قلمداد کرده، احکام و آثار رأی داوری داخلی را در مورد آن اعمال می کنند. البته بسیاری از کشورها در این خصوص، به وضعیت خاص داوری های بین المللی نیز توجه کرده، از بعضی جهات، بین داوری های داخلی واجد وصف بین المللی و داوری های داخلی فاقد این وصف، تمایز قائل می شوند که در این خصوص می توان برای مثال از کشورهای تابع قانون نمونه و فرانسه نام برد. اما برخی کشورها نیز تفکیک و تمایز عمدهای بین این نوع داوری سایر داوری های داخلی قائل نیستند که از جمله مهم ترین آنها کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا نظیر ایالات متحده امریکا و انگلستان، هستند.

از سوی دیگر، اراده جمعی کشورها نیز هماهنگ با رفتار فردی آنها، نشان از وجود انکارناپذیر این قاعده سنتی در سطح بین المللی دارد که در قالب معاهدات بین المللی نیز خودنمایی می کند. کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو تابعیت رأی داوری نسبت به کشور مقر را مورد حمایت قرار می داد. امروزه مقررات مختلف کنوانسیون نیویورک، به عنوان یک معاهده همه جانبه، همچون سلف خود، مؤید وجود قائده مذکور در حقوق بین الملل است، تأکید بر این قاعده توسط کنوانسیون نیویورک تا حدی است که معیارهای تابعیت آرای داوری در مواد مختلف این سند جهان شمول، که امروزه

تمام کشورهای تاثیر گذار عمده در تجارت بین الملل، متعاهد أن محسوب می شوند، مورد اشاره قرار گرفته و بر تبعیت وضعیت رأی داوری در عرصه بین المللی از | وضعیت آن در کشور مبدأ، تأکید می شود

۱-۲-انواع و جایگاه آرای داوری بر اساس تابعیت

۱-۱-۲-انواع آرای داوری بر اساس تابعیت

هر رأی داوری، از نظر تابعیت، از دیدگاه یک کشور خاص، در وهله نخست از دو حالت بیرون نیست؛ یا داخلی و متبوع است و یا غیرداخلی و بیگانه رأی داوری داخلی نیز یا داخلی صرف است، و یا بین المللی آرای داوری غیرداخلی نیز با دارای تابعیت یک کشور خارجی هستند و یا این که به طور کلی بدون تابعیت شمرده می شوند.

در واقع، در تقسیم بندی آرای داوری بر مبنای تابعیت آنها و با ملاک قرار دادن کشور مبداء آرای داوری به سه دسته متبوع و داخلی، متبوع یک کشور دیگر، و بی تابعیت تقسیم می شوند، این تقسیم بندی در خصوص دو شق اول و دوم نسبی و در خصوص شق سوم مطلق است. به عبارت دیگر، رای داوری می تواند از منظر یک کشور خاص، داخلی و از منظر سایر کشورهای جهان خارجی باشد همچنین ممکن است رأی داوری را بیش از یک کشور، متبوع خود تلقی کنند، به نحوی که حتی ممکن است کشور مقر داوری و کشور دیگری که قانونش بر داوری حاکم بوده، هر دو، یک رأی داوری تجاری بین المللی را متبوع خود بدانند. اما از طرف دیگر ممکن است یک رای داوری را هیچ کشوری متبوع خویش به شمار نیاورد و رای صادر به نحوی بی تابعیت باشد. لذا همان طور که قواعد راجع به تابعیت اشخاص نیز کاملا بستگی به قوانین هر کشور دارد، متبوع یک کشور خارجی یا بی تابعیت تلقی کردن رای داوری نیز به طور کامل بستگی به قوانین کشورها و معیارهای قانونی مربوط دارد. به همین دلیل، نظر به نسبی بودن این مفهوم، تعیین معیار کلی برای تعیین تابعیت رأی داوری و ارائه یک تعریف جامع و مانع جهانی از رأی داخلی یا خارجی دشوار است و حسب مورد باید به قوانین کشورهای مربوط مراجعه کرد.

۲-۱-۲- معیارهای تابعیت رای داور

مهم ترین معیارهای تعیین تابعیت رای داوری، معیار مقر داوری و معیار قانون حاکم بر داوری است. تعدد معیارهای تعیین تابعیت و اختلاف آنها در قوانین ملی گوناگون می تواند به عوارضی همچون تابعیت مضاعف رأی داوری و یا بی تابعیتی آن منجر شود.

۱-۲-۱-۲-معیار مقر داوری

«مقر داوری» مهم ترین معیار تعیین تابعیت رأی داوری است.(نصیری، ۱۳۴۶، ص۳۳۵) به همین دلیل، نویسندگان به درستی بر این نکته تاکید کرده اند که این یک قاعده بین المللی است که اصولا دادگاه های مقر داوری دارای صلاحیت قضایی انحصاری برای اعمال نظارت قضایی اولیه بر رای داوری و استماع دعاوی اعتراض به رای داوری، در حدود شرایط و محدودیت های تعیین شده به وسیله قانون آن کشور، هستند.(Gaillard, ۱۹۹۹, p.۸۸۹; Giovannini, ۲۰۰۰, p۱۲۵. ; Bowman Rutlecipe, ۲۰۰۳, p. ۷٤.)

۲-۲-۱-۲-مبنای معیار

تابعیت رأی داوری نیز همچون تابعیت اشخاص، اصولا از اصل سرزمینی بودن قوانین و حق حاکمیت کشورها ناشی می شود. اعطای تابعیت کشور مقر بر آرای داوری، را می توان به اعطای تابعیت اشخاص حقیقی طبق معیار خاک تشبیه کرد. دیدگاه سنتی سرزمینی بودن قوانین براساس این اصل کلی حقوق بین الملل عمومی است که کشورها در درون مرزهای خود دارای حاکمیتند و قوانین و دادگاه های شان دارای حق انحصاری برای تعیین تکلیف وضعیت قانونی اعمال و وقایع فیزیکی و حقوقی انجام یافته در درون مرزهای شان، از جمله داوری های انجام شده در آن سرزمین، هستند.(Goode Roy, ۲۰۰۱, p.۲٤٥) از نظر عملی نیز کشور محل داوری دارای نفع مشروع در کنترل جریان و رأی داوری(Smith Erica,۲۰۰۲, p.۳٦۳) و تضمین حداقل معیارهای لازم برای داوری و احقاق حق از طریق داوری است.(Barraclough , ۲۰۰٥, p.۲۲۹) در واقع، مقر داوری نقطه اتصال بین جریان داوری و نظم حقوقی کشور مربوط است.(Giovannini, op.cit,p.۱۱٥) بنابراین، قرارداد طرفین به تنهایی نمی تواند رأی داوری را الزام اور کند و هر داوری ضرورتا باید مشمول و تحت حاکمیت قانون یک کشور باشد، چرا که هر عمل، توسط هر شخص لزوما باید تحت حاکمیت قانون ملی بوده، حقانیت و قدرت خود را از قانون بگیرد.

به همین دلیل تنها کشورهای مبداء صلاحیت اعمال نظارت قضایی بر رای داوری و رسیدگی به اعتراض به آرای داوری و ابطال آنها را دارند و به همین دلیل سایر کشورها نمی توانند چنین رأی معلومی را که پس از ابطال، دیگر وجود خارجی ندارد معتبر بدانند.(Knoll Stefan, ۲۰۰٦. p. ۱۷) با عنایت به اکثر قریب به اتفاق منابع داخلی و بین المللی می توان گفت صلاحیت انحصاری کشور مقر در اعمال نظارت قضایی بر رأی داوری و رسیدگی به اعتراض به آرای داوری بین المللی، یک قاعده جهانی پذیرفته شده عمومی است که حتی می توان در خصوص آن مدعی وجود اجماع شد.

۳-همزیستی معیارها

بحث تابعیت یا عدم تابعیت، یک بحث تئوریک و نظری صرف نیست، بلکه واقعیتی است که قوانین ملی در این خصوص تعیین کننده هستند، کشورهای مقر داوری و کشورهایی که قانون شکلی آنها بر داوری حاکم بوده است، ولو این که مقر داوری هم نبوده باشند، حسب قوانین خویش می توانند همزمان، مبدا یک رأی داوری تلقی شده، در مورد آن دارای صلاحیت قضایی اولیه باشند. بنابراین، دادگاههای کشور مقر داوری یا کشوری که قانون شکلی آن در جریان داوری مورد استفاده قرار گرفته، مراجعی قانونی برای رسیدگی به دعاوی اعتراض به رای داوری و ابطال آن هستند و احکام آنها می تواند همزمان دارای اثر فراسرزمینی در دیگر کشورها باشد.(Giambastiani, ۲۰۰٤ - ۲۰۰٥, p. ۱۱۰٦) با این حال نباید فراموش کرد که استفاده از معیار قانون شکلی برای تعیین تابعیت و داخلی یا خارجی بودن رأی داوری و صلاحیت دادگاهها می تواند به تعارضات جدی در صلاحیت های قضایی بینجامد، چرا که مقر داوری معیاری است که به طور گسترده در حقوق تطبیقی و اکثر کنوانسیون های بین المللی مربوط پذیرفته شده است. برای مثال ممکن بود در صورت حفظ معیار قانون نکلی، دادگاههای فرانسه آرایی را ابطال کنند که به وسیله دادگاههای مقر داوری تأیید شده باشند.

بنابراین اگرچه عملا طرفین با فراهم کردن زمینه لازم، تابعیت داوری و رأی صادر را انتخاب می کنند، اما این آزادی اراده و انتخاب، بدون حد و مرز نیست و محدود به قوانین ملی کشورها است. لذا آنها می توانند در هر مورد با دقت نظر در قوانین ملی و تطبیق اوضاع و احوال و شرایط با قوانین مذکور، کشور متبوع داوری و رای حاصل را تعیین کنند. به طور مثال، اگر طرفین

قصد داشته باشند کشور «الف»، کشور متبوع رای داوری باشد و دادگاه های آن کشور نیز واجد صلاحیت قضایی اولیه در خصوص آن باشند، باید ابتدا به قانون کشور مربوط مراجعه و دیدگاهش را در خصوص معیارهای تابعیت رای مورد بررسی قرار داده داوری را منطبق با آن سازند و قرارداد داوری را طبق آن تنظیم کنند. مثلا اگر در کشوری معیار تابعیت، مقر داوری است، با انتخاب شهری از شهر های آن کشور به عنوان مقر داوری، یا اگر معیار تابعیت آن، قانون حاکم بر داوری است، با انتخاب قانون آن کشور برای اعمال بر جریان داوری، داوری و رای را تابع آن کنند و در عین حال، مقر داوری را نیز در همان کشور قرار داده، مقر را در کشوری قرار دهند که این امر را اجازه می دهد.

نتیجه گیری

اگرچه اصولا وصف «بین المللی» رأی داوری بستگی به هر نظام حقوقی خاص دارد، به طور کلی دو معیار اصلی برای تبیین خصوصیت بین المللی» داوری و رأی صادر شده، مطرح است:

۱.اولین معیار، «موضوع اختلاف» است. دلوری وقتی «بین المللی» تلقی می شود که موضوع به بیش از یک کشور مربوط و یا مشتمل بر منافع تجارت بین الملل» باشد. محور بودن شق اخیر این معیار، مبتنی بر این است که آیا داوری مربوط متضمن منافع تجارت بین المللی است یا نه. در میان قوانین کشورها، این معیار توسط قانون فرانسه پذیرفته شده است. ماده ۱۴۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، داوری بین المللی را آن داوری می داند که متضمن منافع تجارت بین المللی باشد.

۲. معیار دوم بر «طرفین داوری» متمرکز است. طبق این معیار، تفاوت تابعیت با اقامتگاه طرفین در اشخاص حقیقی، یا اگر شخص حقوقی است مقر کنترل مرکزی و اداره آن، تعیین کننده بین المللی بودن داوری و رأی صادر خواهد بود. این معیار بر طرفین داوری متمرکز است. معیار فوق توسط کشورهایی مثل بلژیک، انگلستان، و سوئیس مورد استفاده قرار گرفته است. و ماده ۱۷۶ قانون حقوق بین الملل خصوصی سوئیس، أن داوری را بین المللی میداند که در زمان انعقاد قرارداد داوری حداقل یکی از طرفین نه مقیم سوئیس باشد و به محل سکونت عادی وی در سوئیس باشد، همچنین وفق ماده جدید ۸۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی ایتالیا، قانون داوری جدید

۱۹۹۴ ایتالیا که حاوی مقررات خاصی در مورد داوری های بین المللی است، در جایی اعمال می شود که حداقل یکی از طرفین مقیم خارج باشد، و یا مرکز اصلی فعالیتش در خارج از ایتالیا باشد و یا در جایی که یک قسمت مهم و بنیادین معاملاتی که اختلاف از آن ناشی شده است، باید در خارج انجام شود.

ملاک ارائه شده در قانون نمونه، ترکیبی از هر دو معیار است. بند ۳ ماده ۱ قانون نمونه اصطلاح بین المللی را تعریف می کند. عناصر تعریف قانون مذکور از این قرار است:

الف) محل تجارت طرفین قرارداد داوری، در زمان انعقاد آن قرار داد، در کشورهای مختلفی قرار داشته باشد؛ یا ب) یکی از محل های ذیل در محلی خارج از کشوری که طرفین در آن دارای محل تجارت هستند قرار داشته باشد: ۱) محل داوری، مشروط بر این که به وسیله یا بنا بر قرارداد داوری تعیین شده باشد، ۲) هر محلی که باید در آن، یک بخش اساسی از تعهدات رابطه تجاری انجام شود و یا محلی که موضوع اختلاف نزدیک ترین رابطه را با آن جا داشته باشد؛ یا ج) طرفین صراحتا در این خصوص توافق کرده باشند که موضوع قرارداد داوری مربوط به بیش از یک کشور شود. لذا قانون نمونه، هم معیار طرفین و هم معیار موضوع اختلاف را در نظر داشته است. ماده ۴۵۸ قانون جدید آیین دادرسی مدنی ۱۹۹۲ الجزایر نیز با ارائه معیاری ترکیبی مقرر می دارد که اگر داوری مربوط به اختلافی باشد که شامل منافع تجارت بین المللی بوده و مرکز اصلی فعالیت یا اقامتگاه حداقل یکی از طرفین آن نیز در خارج باشد، بین المللی محسوب می شود».

قانون داوری تجاری بین المللی ایران در بند «ب» ماده یک، معیار طرفین داوری را پذیرفته است. بدین ترتیب، قانون ایران با انحراف از معیارهای قانون نمونه در این خصوص، خارجی بودن یکی از طرفین قرارداد داوری را معیار بین المللی بودن داوری دانسته است. به نظر می رسد در مواردی که یکی از طرفین دارای تابعیت ایرانی و دیگری دارای تابعیت مضاعف ایرانی و خارجی است، داوری تحت شمول این قانون قرار نخواهد گرفت، چرا که در این صورت، شرط خارجی بودن تابعیت یکی از طرفین از دید قانون ایران محقق نیست و مضافا اصل بر صرفأ داخلی بودن رای ایرانی مربوط است، مگر آن که وجود شرایط جهت شمول قانون داوری تجاری بین المللی بر آن احراز شود. در صورتی که داوری داخلی مشمول نظام خاص داوری های بین المللی نشود، طبق

اصل، به عنوان یک داوری صرفاً داخلی شناخته می شود و مشمول قانون اصلی، که در کشور ما قانون آیین دادرسی مدنی است، خواهد شد.

منابع

سیفی، سیدجمال(۱۳۷۴)، قانون داوری تجاری بین المللی، تهران، همایش ملی جایگاه داوری در حل اختلافات.

شمس ، عبدالله و بطحانی، فرهاد(۱۳۸۲)، موافقتنامه داوری و صلاحیت دادگاه ها، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۸۲، ص۱۱-۴۳.

فیروزآبادی، حسین و بطحایی، فرهاد(۱۳۹۶)، بررسی ماهیت فقهی داوری، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۴۸، تابستان ۱۳۹۶، ص۱۷۱-۱۹۲.

مکرمی، علی(۱۳۷۵)، شناسایی و اجرای آراء داوری های خارجی در حقوق ایران، تهران ،مرکز مطالعات حقوقی و داوری.

نصیری، مرتضی(۱۳۴۶)، اجرای آرای داوری خارجی، تهران، شفق.

Barraclough Anclrew & jeff, Waincymer, "Mandatory Rulcs of law in International Commercial Arbitration", Melbourne Jowrnal of International Law, Vol, ٦, ٢٠٠٥.

Giambastiani Catherine A, "Recent Development: Lex Loci Arbitri and Annulment of Foreign Arbitral Awards | in U.S. Courts", AM, U. Inr٧L Rew, ٢٠٠٤ – ٢٠٠٥.

Knoll Stefan M., "Artiinton and Insolvemy Proceedings Selected Poslems" in Ferartw International Arbitration, Khurwer la International, ٢٠٠٦.

Smith Erica, "Vacaled Arbitral Awards: Recognition and Enforcement outside the Country of Origin", Boston University International law Journal, Vol. ٢٠،٢٠٠٢.

Redfern Alan & Hunter Martin, Law and Practice of International Commercial Arbitration, London, Sweet & Maxwell, ۲M] ۳.